

Typology of the interpretive narrations of Surah An-Nahl about the Commanders of the Faithful (pbuh)

(Received:2021/08/29-Accepted:2022/04/06)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.5.8>

ghahari kermani, mohammad hadi¹

Abstract:

In narrative interpretive sources, interpretive narrations are not separated from interpretive narrations; Therefore, separating interpretive narrations from interpretive narrations and determining the type of their interpretation becomes important and necessary. In this research, we intend to realize this important point about the interpretive narrations related to the Commanders of the Faithful (pbuh) in Surah An-Nahl. This research seeks to find an answer to the question that what kind of interpretations have been made in relation to the Commanders of the Faithful (pbuh) in the interpretive narrations of Ahl al-Bayt (as) in Surah An-Nahl? In this regard, based on the idiomatic meaning of Qur'anic interpretation in verses and hadiths, the interpretive narrations of Surah An-Nahl were extracted from its interpretive narrations and by descriptive-analytical method it was determined that under 15 verses of Surah An-Nahl, four types of interpretations in interpretive narrations related to Amir al-Mu'minin There are (PBUH) which are: the esoteric meaning of the verse, the esoteric meaning of the verse, the meaning of the verse over time (current and adaptation) and the meaning of the application or the generality of the verse.

Keywords: Quranic Interpretation, Types of Quranic Interpretation, Interpretive Narration, Surah An-Nahl, Amir al-Mu'minin (as).

¹ . Islamic Education Department, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman,Iran, ghahari@uk.ac.ir



نوع مقاله: پژوهشی

گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره امیرمؤمنان (علیه السلام)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۶/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.5.8>

قهاری کرمانی، محمدهادی^۱

چکیده

در منابع تفسیری روایی، روایات تأویلی از روایات تفسیری تفکیک نشده است؛ لذا جداسازی روایات تأویلی از روایات تفسیری و تعیین نوع تأویل آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد. در این تحقیق برآنیم تا این مهم را در مورد روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه السلام) در سوره نحل محقق سازیم. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تأویلی اهل بیت (علیهم السلام) در سوره نحل چه نوع تأویلاتی در رابطه با امیرمؤمنان (علیه السلام) صورت پذیرفته است؟ در این راستا، بر اساس معنای اصطلاحی تأویل قرآن در آیات و روایات، روایات تأویلی سوره نحل از بین روایات تفسیری آن استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که ذیل ۱۵ آیه از سوره نحل، چهار نوع تأویل در روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه السلام) وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) و مصداق اطلاق یا عموم آیه.

کلیدواژه‌ها: تأویل قرآن، انواع تأویل قرآن، روایت تأویلی، سوره نحل، امیرمؤمنان (علیه

السلام).

^۱ . استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ایران. gahari@uk.ac.ir

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

ژرفای نهایت‌ناپذیر قرآن، یکی از مهم‌ترین رموز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به‌ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به‌ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به‌فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به حاجات آنان در عرصه‌های گوناگون پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل، به این معناست که این کلام الهی علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری را نیز در خود دارد که از طریق روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به عنوان بهترین راه، می‌توان آنها را استخراج نمود؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، عدل قرآن به شمار می‌روند.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در سوره نحل چه گونه‌های تأویلی صورت پذیرفته است؟ از آن‌جا که در بین روایات تأویلی سوره نحل، روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات درباره امام علی (علیه‌السلام) پرداخته‌اند، در این پژوهش برآنیم تا آن روایات را استخراج و نوع تأویل آنها را کشف نماییم.

درباره اهمیت و ضرورت این تحقیق باید گفته شود که در منابع تفسیری روایی، روایات تأویلی از روایات تفسیری تفکیک نشده است. به نظر می‌رسد علتش این بوده که ماهیت تأویل قرآن برای مؤلفان این منابع به‌طور کامل، روشن نبوده است؛ از این رو در این پژوهش ضمن مشخص شدن ماهیت تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات، به جداسازی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه‌السلام) از روایات تفسیری سوره نحل پرداخته شده است.

۱- پیشینه پژوهش

در مورد تأویل قرآن پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که از کتاب «روش‌های تأویل قرآن» محمدکاظم شاکر و مقالات «تأویل قرآن» نوشته علی‌اکبر بابایی (ر.ک: معرفت، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۲)، «تأویل قرآن در منظر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)» نوشته حمید آگاه (ر.ک: پژوهش‌های



قرآنی، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵)، «معناشناسی تأویل در روایات» نوشته محمد فرجاد (ر.ک: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)» نوشته سیدحیدر علوی‌نژاد (ر.ک: حسنا، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۲)، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر» نوشته شهاب‌الدین ذوالفقاری (ر.ک: حسنا، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۳)، «تأویل از نگاه تحقیق» نوشته علی نصیری (ر.ک: بینات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۷۷) و «تأویل» نوشته محمدکاظم شاکر (ر.ک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۷، ص ۹۰ - ۱۱۱) به عنوان مهم‌ترین آثاری که به عنوان پیشینه این تحقیق به شمار می‌روند، می‌توان نام برد.

در مورد نقاط افتراق این مقاله با پژوهش‌های یادشده باید گفته شود که اولاً در آثار یادشده، ماهیت تأویل قرآن با آنچه که در این تحقیق تعریف شده، متفاوت است؛ ثانیاً تبیین انواع تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات در این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مذکور تفاوت دارد؛ ثالثاً در هیچ‌یک از تحقیقات یادشده به استخراج روایات تأویلی مرتبط با امام علی (علیه السلام) در سوره نحل و تعیین نوع تأویل آنها اهتمام ورزیده نشده است.

۲- تأویل در لغت

در کتب لغت چهارمعنا برای تأویل مطرح شده که عبارت‌اند از: الف- مرجع و عاقبت امر؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ص ۳۱) ب- سیاست و تدبیر کردن؛ (ر.ک: ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸) ج- تفسیرکردن؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۵۸) د- برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر؛ (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰)

در کتب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع‌دادن) به کار رفته است؛ از آنجا که استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید. همچنین معانی یکم،

سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند؛ اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد. نکته دیگر آن که معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آن که درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند، پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن، خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی که معانی مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می‌باشد، تعریف کرده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰) به دیگر سخن، تأویل‌گر با ملاحظه وجوه متعدد معانی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است انتخاب نموده و به لفظ نسبت می‌دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌گردد، چنانکه برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.» (جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد با این بیان که معنای غیرظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معانی کلام است.

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن‌فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است؛ (ر.ک: فیروزآبادی، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، ۱۳۸۲: ص ۱۹) قابل ملاحظه باشد؛ زیرا ابن‌فارس در هیأت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر، سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است. (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸) از این‌رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو نموده و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده دانسته شود. (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳)

نتیجه آن که معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

دوره سوم
شماره ۶
بهار و تابستان
۱۴۰۰



۳- تأویل قرآن در اصطلاح آیات و روایات

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده است؛ لذا بهترین راه برای معناشناسی تأویل قرآن رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف شده و تعریفی جامع برای آن ارائه گردد. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ص ۷۲-۸۴)

لفظ تأویل، در ضمن هفت سوره از قرآن هفده بار استعمال شده است. (ر.ک: آل عمران: ۷؛ نساء: ۵۹؛ اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹؛ یوسف: ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱؛ اسراء: ۳۵؛ کهف: ۷۸ و ۸۲) از هفده مورد یادشده، پنج مورد آن در مورد قرآن به کار رفته است که دو بار (ر.ک: آل عمران: ۷) به اتفاق مفسرین به معنای «مقصود از آیات متشابه» و سه بار (ر.ک: اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹) به حسب ظاهر و به نظر مشهور به معنای «تحقق عینی وعد و وعیدهای قرآن در آخرت» می‌باشد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۶۵۷ و ج ۵، ص ۱۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۸، ص ۲۹۵) در روایات، کلمه تأویل در مورد قرآن در هشت معنا استعمال شده است که عبارتند از: معنای ظاهری آیه، مصداق ظاهری آیه، معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه. (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ص ۷۱-۷۲) بنابراین «تأویل قرآن» در لسان آیات و روایات دارای هشت معنا می‌باشد. البته می‌توان این معانی هشت‌گانه را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن خلاصه نمود. «تأویل قرآن» به معنای عام همه معانی هشت‌گانه را در بر گرفته است؛ اما «تأویل قرآن» به معنای خاص فقط شامل معنای سوم تا هشتم می‌باشد. دلیل این تقسیم آن است که با مرور آیات و روایاتی که در آنها کلمه تأویل در مورد قرآن استعمال شده است، مشاهده می‌شود که تمامی آیات و اکثر روایات، ناظر به معنای تأویل قرآن به معنای سوم تا هشتم است. (همان: ص ۸۴)

نکته دیگر آن که دو معنای اول تأویل قرآن یعنی معنا و مصداق ظاهری آیه در حوزه تفسیر قرآن قرار می‌گیرد؛ اما طبق آنچه در بررسی معنای لغوی تأویل گذشت که لغت‌شناسان یکی از معانی تأویل را تفسیر کردن دانستند؛ لذا تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز می‌شود؛ از این رو در

روایات، به این دو معنا نیز اطلاق تأویل شده است. بنابراین تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر است و نسبت آن با تفسیر، عموم و خصوص مطلق است؛ ولی تأویل قرآن به معنای خاص نسبتش با تفسیر، تباین است. (همان: ص ۸۴). مراد از تأویل قرآن در این مقاله، تأویل به معنای خاص است؛ بنابراین ما در صدد بیان روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه السلام) در سوره نحل هستیم که مشتمل بر یکی از معانی سوم تا هشتم باشند.

۴- انواع روایات تأویلی سوره نحل درباره امام علی (علیه السلام)

در بین روایات تفسیری سوره نحل، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را بر امیرمؤمنان (علیه السلام) تأویل کرده اند. از شش نوع تأویل قرآن به معنای خاص که پیشتر از آنها یاد شد، چهار نوع آن در روایات تأویلی مرتبط با امام علی (علیه السلام) در سوره نحل یافت شد که در ادامه، به ذکر آنها پرداخته خواهد شد.

۴-۱- معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معنای، مقاصد و معارف عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یارای فهم آن نمی باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده برآن دلالت دارد. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶: ۸۷-۹۱) در برخی از روایات ضمن پذیرفته شدن این که قرآن کریم دارای بطن و بطون (معنای باطنی) است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) سؤال می کند که مقصود از ظهر و بطن قرآن چیست؟ حضرت فرمود: «ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن می باشد؛ بخشی از تأویل قرآن محقق شده و بخش دیگر آن هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۱)

ذیل سه آیه از سوره نحل (آیات ۲۲، ۲۳ و ۳۸) روایات تأویلی مشاهده شد که معنای باطنی آیه را درباره امام علی (علیه السلام) تأویل نموده که در ادامه به نقل آنها پرداخته خواهد شد.



از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: **إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ** (نحل: ۲۲) روایت شده که فرمود: «[برطبق] **إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ**، حکم [درباره‌ی وحدانیت خدا]، همان است که خداوند فرموده است، و سخن خداوند: **فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ**، یعنی آنها ایمان ندارند که رجعت، حق است؛ و گفتار خداوند: **قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ**، یعنی قلب‌های آنها پوشاننده‌ی حق است؛ و سخن خداوند: **وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ**، یعنی آنها ولایت علی (علیه السلام) را نمی‌پذیرند [و از آن روی می‌گردانند] و لذا خداوند در تهدید آنها فرموده است: به راستی که خدا می‌داند که چه در دل پنهان می‌دارند و چه چیز را آشکار می‌سازند و او متکبران را دوست ندارد.» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۸۳)

عبارت **«لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»** ظهور در قیامت دارد، ولی در روایت فوق به رجعت تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود. همچنین واژه **«مُسْتَكْبِرُونَ»** ظهور در تکبر در برابر پذیرش توحید و نبوت دارد، ولی در روایت فوق، به تکبر در برابر پذیرش ولایت امام علی (علیه السلام) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این‌جا نیز از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود. از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: **إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ** (نحل: ۲۳) روایت شده که فرمود: «خداوند کسانی را که از ولایت علی (علیه السلام) سرپیچی کنند، دوست ندارد.» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۸۳). واژه **«الْمُسْتَكْبِرِينَ»** ظهور در تکبر در برابر پذیرش توحید و نبوت دارد، ولی در روایت فوق، به تکبر در برابر پذیرش ولایت امام علی (علیه السلام) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: **وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا** (آل عمران: ۸۳) سؤال شد، حضرت فرمود: «این آیه مربوط به آن زمانی است که علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من از همه‌ی مردم به آیه: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ يَمُوتَ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ لِيَبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَهُمْ كَانُوا كَادِبِينَ** (نحل: ۳۸) اولی و سزاوارترم.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۸۳). از امام علی (علیه السلام) روایت شده که درباره آیه: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ**، فرمود: **«فِي أَنْزَلَتْ: این آیه درباره‌ی من نازل شده است.»** (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۴۳۰). از ابن عباس درباره آیه: **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ**، چنین روایت شده است:

«این آیه درباره‌ی علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده است.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۲۲۶). آیه: وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (نحل: ۳۸) درباره زنده شدن مردگان در قیامت است؛ ولی در روایات فوق به زنده شدن برخی افراد در دوران رجعت امام علی (علیه السلام) و انتقام از آنها تأویل شده است؛ لذا تأویل در روایات یادشده از نوع بیان معنای باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

۲-۴- مصداق باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. ذیل شش آیه از سوره نحل (آیات ۱۶، ۴۳، ۶۰، ۷۶، ۹۰ و ۹۱) روایات تأویلی مشاهده شد که مصادیق باطنی آیات را بر امام علی (علیه السلام) تأویل کرده است که در این جا به ذکر آن روایات پرداخته خواهد شد.

از امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) درباره آیه: وَ عَلَامَاتٍ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (نحل: ۱۶) روایت شده که فرمودند: «منظور [از نجم]، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۵). از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که به امام علی (علیه السلام) فرمود: «تو، یکی از علامات هستی.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۱۷۸). معنای ظاهری آیه ۱۶ سوره نحل در مورد ستارگان و نشانه‌های دیگری است که مردم در جاده و راه طبیعی و مادی گم نشوند؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۸۳) اما در روایات فوق، مصداق علامات و ستارگان را امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان می‌کند تا مردم با اقتدا به آنان راه معنوی را گم نکنند؛ لذا تأویل در روایات یادشده از نوع بیان مصداق باطنی آیه به‌شمار می‌رود. از ابن عباس درباره آیه: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ (نحل: ۴۳) چنین روایت شده است: «اهل ذکر محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام)، فاطمه (سلام الله علیها)، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) هستند که اینها اهل ذکر، علم، عقل و بیان‌اند. آن‌ها، اهل بیت نبوت، پایگاه رسالت و محل آمد و شد ملائکه‌اند. به خدا قسم! مؤمن را مؤمن نام نداده‌اند مگر به سبب احترام امیرالمؤمنین (علیه السلام)» (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ج ۱، ص ۹۳). از امام علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «هرکس چیزی را نمی‌داند باید اشکال و سؤالش را پیش ما آورد و از ما بپرسد که خداوند فرموده است: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۳).



عبارت «أَهْلَ الذُّكْرِ» در آیه مورد بحث، به اهل کتاب تفسیر شده است؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۱، ص ۱۹۱) ولی در روایات فوق‌الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و به امام علی (علیه السلام) تأویل شده است؛ لذا تأویل ذکر شده در این روایات از نوع جبری و تطبیق و بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به‌شمار می‌رود.

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی! تو حجّت خدا و باب‌الله و راه رسیدن به خدا و خیرعظیم هستی! و تویی راه مستقیم و مثل اعلی!» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶). از آن‌جا که عبارت «الْمَثَلُ الْأَعْلَى» دو بار در قرآن به کار رفته یکی در آیه: لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَ اللَّهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى (نحل: ۶۰) و دیگری در آیه ۲۷ سوره روم و در هر دو آیه مثل اعلی را به خدا نسبت داده است، لذا در این روایت گرچه سخنی از دو آیه نیست، اما به نظر می‌رسد که ناظر به این دو آیه باشد؛ بنابراین روایت تفسیری به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر در آیات مذکور عبارت «الْمَثَلُ الْأَعْلَى» به خدا نسبت داده شده اما در این روایت به امام علی (علیه السلام)؛ زیرا حضرت مظهر تامّ اسماء و صفات الهی می‌باشد؛ بنابراین تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ (نحل: ۷۶) روایت شده که فرمود: «منظور علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است که به عدل، امر می‌کند و در مسیر مستقیم است.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۱۰۷). از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه ۷۶ سوره نحل چنین روایت شده است: «چگونه این فرد با آن کسی که به عدل و عدالت امر می‌کند، یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام)، برابر است؟!» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۸۷). در دو روایت فوق، از آیه مورد بحث، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) تطبیق شده است؛ بنابراین تأویل ذکر شده در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه: الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ (نحل: ۸۸) چنین روایت شده است: «یعنی بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) کافر شدند و از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روی برگرداندند.» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۸۸). در روایت فوق، از آیه مورد بحث، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر منکران ولایت امام علی (علیه السلام) بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تطبیق شده است؛ بنابراین تأویل ذکرشده در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به‌شمار می‌رود.

از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل: ۹۰) روایت شده که فرمود: «عدل یعنی شهادت به یگانگی خدا و اینکه محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده‌ی خداوند است و احسان یعنی پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اطاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام)، و إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ یعنی حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و امامان از نسل او. وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ یعنی هرکس که به آن‌ها ظلم کند و آنان را بکشد و حق آن‌ها را غصب کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ص ۱۸۸)

از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه ۹۰ سوره نحل روایت شده که فرمود: «عدل، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و احسان، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ، فاطمه (سلام الله علیها) است.» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۲۳۶). از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه ۹۰ سوره نحل روایت شده که فرمود: «ای سعد! إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ که منظور از آن، محمد (ص) است و الْإِحْسَانِ که منظور از آن، علی (علیه السلام) است و إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ [یعنی] نسبت خویشاوندی ما [با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)] است. خداوند بندگان را به دوستی و بخشش نسبت به ما امر می‌کند و از فحشا و منکر باز می‌دارد، که فحشا و منکر آن کسانی هستند که بر اهل بیت (علیهم السلام) ظلم و ستم کردند و مردم را به تبعیت افرادی غیر از آنان فرا خواندند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۶۸). با عنایت به معنای ظاهری آیه مورد بحث، آنچه در این روایات مطرح شده همگی از معانی و مصادیق باطنی آیه به‌شمار می‌روند؛ لذا تأویل در این روایات از نوع بیان معنا و مصداق باطنی آیه می‌باشد.



از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ (نحل: ۹۱) تا چهار آیه‌ی بعد در شأن علی (علیه السلام) نازل شده و فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «بر علی (علیه السلام) به عنوان امیرالمؤمنین، سلام کنید»، از جانب خودش نبود.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۵۳). عبارت «عَهْدِ اللَّهِ» در آیه مورد بحث، ظهور در هرگونه عهدی دارد، ولی در روایت فوق به امام علی (علیه السلام) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

۳-۴- مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی از احادیث به مصادیق زمان نزول که آیات، ناظر به آنها بوده ظهر و تنزیل گفته شده و به مصادیق مشابه آنها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته شده است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «ظاهر قرآن همان مصداق‌ها (اسباب و شأن نزول‌ها) و مواردی است که آیات درباره آنها نازل شده است و باطن قرآن مصداق‌ها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات درباره آنها نازل شده است) عمل می‌کنند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) یعنی آنچه درباره آنان نازل شده، نسبت به اینان نیز صدق می‌کند. گرچه در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به میان نیامده است، اما در جای دیگر، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه، در حرکت است.» (همان) همچنین از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است؛ هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می‌شناسد.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۵) نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که: «در میان شما کسی است که بر تأویل قرآن قتال می‌کند چنان‌که من بر تنزیل آن قتال کردم و او علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۵).

در این روایات، تأویل قرآن به مصادیقی توصیف شده که فراتر از سبب و شأن نزول آیات می‌باشند و بعضی از آنها تا زمان امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل در مورد «مصدق آیه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایات یادشده به آن اشاره شده است. بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می‌کند.

ذیل سه آیه از سوره نحل (آیات ۶۴، ۹۴ و ۱۲۷) روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه السلام) مشاهده شد که از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) هستند. در این جا به نقل این گونه از روایات تأویلی سوره نحل پرداخته خواهد شد.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «ای انس! برای من در ظرف، آب بریز تا وضو بگیرم. سپس دو رکعت نماز به جا آورد و فرمود: «ای انس! اولین کسی که از این در وارد شود، امیرمؤمنان، مولای مسلمانان، پیشوای سپیدرویان عالم و خاتم اوصیا است». با خود گفتم: «خدایا! کاش آن شخص یکی از انصار باشد». در آن حال، علی (علیه السلام) وارد شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: «انس! این کیست که وارد شد؟» عرض کردم: «علی (علیه السلام) است»؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوشحال و مسرور برخاست و علی (علیه السلام) را در آغوش کشید. پس عرق روی خود را به صورت علی (علیه السلام) مالید. علی (علیه السلام) عرض کرد: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! قبلاً هرگز چنین رفتاری را نسبت به خودم، از شما ندیده بودم!» فرمود: «چرا چنین نکنم؛ تو جانشین من هستی و صدای مرا به گوش آن‌ها (مردم) خواهی رساند و بعد از من در هر چیز اختلاف داشته باشند، تو آن را حل می‌کنی و این معنای گفتار خداست که می‌فرماید: وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۴۸)



معنای ظاهری آیه: وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نحل: ۶۴) درباره رفع اختلاف مشرکان توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ اما در این روایت از آیه مورد بحث، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و به رفع اختلاف مسلمانان توسط امام علی (علیه السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) تأویل شده است؛ لذا تأویل ذکر شده در این حدیث از نوع جری و تطبیق و بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به‌شمار می‌رود.

از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: وَ لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ (نحل: ۹۴) روایت شده که فرمود: «این مثلی برای مخالفان و عهدشکنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۸۹). از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه: وَ لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا (نحل: ۹۴) روایت شده که فرمود: «یعنی [متزلزل شدن مردم] بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد پذیرش ولایت علی (علیه السلام) و اینکه [شما پیمان‌شکنان]، طعم بدی‌ها را به خاطر جلوگیری از راه خدا می‌چشید که راه خدا، علی (علیه السلام) است. و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود!» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۲۱). عبارت «وَ لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا» مطلق است و هرگونه سوگندشکنی و لغزش پس از ثبات قدم را در بر می‌گیرد؛ اما در این روایت بر عهدشکنان نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) تأویل شده است؛ بنابراین تأویل ذکر شده در این روایت از نوع جری و تطبیق و بیان مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به‌شمار می‌رود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) محنت‌های عظیمی را که بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دید و به‌وسیله‌ی آن آزموده شد به آن حضرت شکایت کرد و عرض کرد: «ای رسول‌خدا! من متحمل رنج‌ها و گرفتاری‌هایی شدم که هیچ جانشین پیغمبری در هیچ امتی متحمل نگشت، تا جایی که مرا با ضربت عبدالرحمن بن ملجم به قتل رساندند و خداوند شاهد چگونگی نقض بیعت من است. طلحه و زبیر، عایشه را به بهانه‌ی ادای مراسم حج و عمره به مکه بردند ولی مسیر او را عوض کرده به بصره آوردند. من هم ناچار برای جلوگیری از بلوای آن‌ها بسیج کردم و خدا و شما را به یاد آن‌ها آوردم، ولی آن‌ها برنگشتند تا اینکه خداوند مرا بر آن‌ها پیروز گردانید و خون

بیست هزار نفر از مسلمانان ریخته و هفتاد دست که می خواست مهار شتر عایشه را نگهدارد؛ بریده شد. ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! آنچه در جنگ‌های شما و جنگ‌های بعد از شما دیدم از جنگ جمل بر من دشوارتر نبود؛ زیرا آن جنگ از سخت‌ترین و هول‌انگیزترین و بزرگترین جنگ‌هایی بود که من دیدم؛ پس صبر کردم، همان طور که خدا مرا به همان آداب شما تأدیب نمود به این آیه: پس پایداری کن، هم چنان که پیامبران اولو العزم پایداری کرده بودند، و آیه: وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۲۰)

در روایت فوق، از آیه ۱۲۷ سوره نحل که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر امام علی (علیه السلام) تطبیق شده است؛ بنابراین تأویل ذکر شده در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به‌شمار می‌رود.

۴-۴- مصداق اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصداق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که در ذیل این گونه از آیات نقل شده است به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. در برخی از این روایات ضمن بیان این نوع از مصداق آیات، تصریح شده است که این مصداق در زمره تأویل آیه به شمار می‌آیند. ضمناً گاهی اوقات از برخی مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصداق اتم و اکمل نام برده شده است. لازم به ذکر است که مصداق عموم یا اطلاق آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق عموم یا اطلاق آیه برای غیرمعصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصداقی را بیان کند، فاقد حجیت است. (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ص ۷۸)

ذیل سه آیه از سوره نحل (آیات ۲۴، ۸۳ و ۱۲۸) روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان (علیه السلام) از نوع مصداق اطلاق یا عموم آیه وجود دارد که به نقل آنها پرداخته خواهد شد. از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (نحل: ۲۴)



روایت شده که فرمود: «و هنگامی که به آنها گفته شود: پروردگار شما درباره‌ی علی (علیه السلام) چه نازل کرده است؟ می‌گویند: این‌ها افسانه‌های پیشینیان است. در جاهلیت عرب سخنانی را به صورت نثر مسجع و موزون می‌گفتند و این معنای اساطیرِ الأوّلین است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۷). عبارت «ما ذا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ» در آیه ۲۴ سوره نحل، مطلق است و همه آیات قرآن را در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت فقط به آیاتی که درباره امام علی (علیه السلام) نازل شده، تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

از امام سجاد (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «وقتی آیه: «سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند»، نازل شد، گروهی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسجد مدینه جمع شدند و به یکدیگر گفتند: «درباره‌ی این آیه چه می‌اندیشید؟» گفتند: «اگر این آیه را انکار کنیم، به کل قرآن کافر می‌شویم و اگر به آن ایمان بیاوریم و آن را بپذیریم باید آن هنگام که علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) بر ما مسلط شد از او اطاعت کنیم. می‌دانیم که محمد (صلی الله علیه و آله) هرچه می‌گوید راست و حقیقت است؛ ما از او اطاعت می‌کنیم، اما امر او درباره‌ی علی (علیه السلام) را نمی‌پذیریم. سپس این آیه نازل شد: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا (نحل: ۸۳)؛ منظور ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است. وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ یعنی ولایت را انکار می‌کنند.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۴)

از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا (نحل: ۸۳) روایت شده که فرمود: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) ولایت علی (علیه السلام) را به آنها شناساند و آنها را به پذیرفتن آن امر کرد، اما بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را انکار کردند.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۹۹). از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا، روایت شده که فرمود: «نعمت روز غدیر را می‌شناسند و آن را در روز سقیفه انکار می‌کنند.» (شعیری، بی تا، ص ۱۱). عبارت «نِعْمَتَ اللَّهِ» در آیه مورد بحث مطلق است و ظهور در همه نعمتهای الهی دارد، اما در این روایات به نعمت ولایت امام علی (علیه السلام) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اطلاق آیه به‌شمار می‌رود.

از ابن عباس درباره آیه: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل: ۱۲۸) چنین روایت شده است: «منظور علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۹۴). از امام علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «يَا كُمَّيلُ نَحْنُ وَاللَّهِ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ: ای کمیل! به خدا! ما همانانیم که پرهیزکار و نیکوکارند.» (طبری آملی، ۱۳۸۳: ص ۲۹). عبارت «الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» عام است و همه متقین و محسنین را شامل می‌شود؛ اما در این دو روایت به امام علی (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایات از نوع بیان مصداق اتم عموم آیه به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که دو نوع دیگر تأویل قرآن یعنی تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه در روایات تأویلی مرتبط با امام علی (علیه السلام) در سوره نحل مشاهده نگردید.

نتیجه گیری:

یکی از آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) در بیان معارف قرآن کریم، گشودن دریچه‌ای نو و هماهنگ با زمان به نام تأویل است. آیات قرآن افزون بر آنچه از ظاهر آنها استفاده می‌شود، دارای تأویل‌اند و بهترین راه دست‌یافتن به تأویل قرآن از طریق اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت (علیهم السلام) به‌عنوان عدل قرآن به‌شمار می‌روند. در بین روایات تأویلی اهل بیت (علیهم السلام) در سوره نحل روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات این سوره درباره امیرمؤمنان (علیه السلام) پرداخته است. از مجموع ۲۷ روایت تأویلی سوره نحل درباره امام علی (علیه السلام) این نتیجه حاصل شد که در این روایات، از مجموع شش نوع تأویل قرآن، چهارنوع آن وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۵ روایت)، مصداق باطنی آیه (۱۲ روایت)، مصداق آیه در گذر زمان (۴ روایت)، مصداق اطلاق یا عموم آیه (۶ روایت). همچنین در روایات یادشده، دونوع دیگر تأویل قرآن یعنی تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه وجود ندارد.



منابع:

* قرآن کریم

- ۱- آگاه، حمید، ۱۳۷۵، «تأویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)»، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶.
- ۲- ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۳- ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- ۴- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۶۹ق، متشابه القرآن و مختلفه، قم، دار بیدار للنشر.
- ۵- ابن‌طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۰ق، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم، خیام.
- ۶- ابن‌فارس، احمد، ۱۴۱۰ق، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۷- ابن‌منظور، محمد، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۸- ازهری، محمد بن احمد، بی‌تا، معجم تهذیب اللغه، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۹- اسعدی، محمد و طیب حسینی، سیدمحمود، ۱۳۹۰، پژوهشی در محکم و متشابه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۰- بابایی، علی اکبر، ۱۳۷۲، «تأویل قرآن»، مجله معرفت، شماره ۶.
- ۱۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۲۸ق، الصحاح اللغه، بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۲- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مجمع احیاء الثقافه الإسلامیه.
- ۱۳- ذوفقاری، شهاب‌الدین، ۱۳۹۳، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن پژوهان معاصر»، مجله حسنا، شماره ۲۱.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات، قم، نشر کتاب.
- ۱۵- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۸، «تأویل»، دایره المعارف قرآن کریم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- _____، ۱۳۷۶، روش‌های تأویل قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۱۷- _____، ۱۳۸۲، مبانی و روش‌های تفسیر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۱۸- شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، جامع الأخبار، نجف، مطبعه حیدریه.

- ۱۹- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، نشر جهان.
- ۲۰- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۲- طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، ۱۳۸۳ق، بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی، نجف، المکتبه الحیدریه.
- ۲۳- علوی نژاد، سیدحیدر، ۱۳۸۲، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت (علیهم السلام)»، مجله حسنا، شماره ۲.
- ۲۴- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۲۵- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، ترتیب کتاب العین، تهران، اسوه.
- ۲۶- فرجاد، محمد، ۱۳۸۳، «معناشناسی تأویل در روایات»، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸.
- ۲۷- فیروزآبادی، مجدالدین، بی تا، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، بیروت، المکتبه العلمیه.
- ۲۸- قهاری کرمانی، محمدهادی، ۱۳۹۸، «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه های مشهور بر اساس آن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، دوره دوم، شماره سوم.
- ۲۹- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب.
- ۳۰- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسۀ الطبع و زارۀ الثقافۀ و الإرشاد الإسلامی.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دار الحدیث.
- ۳۲- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۳۴- نصیری، علی، ۱۳۷۷، «تأویل از نگاه تحقیق»، مجله بینات، شماره ۱۷.



References:

- 1- The Holy Quran
- 2- Agah, Hamid, 1375, "Interpretation of the Qur'an in the perspective of the Ahl al-Bayt (PBUH)", Journal of Quranic Studies, No. 5 and 6.
- 3- Ibn Athir, Mubarak Ibn Muhammad, 1988, The End in the Strange's Hadith and Works, Qom, Ismaili Press Institute.
- 4- Ibn Hayyun, Nu'man Ibn Muhammad Maghribi, 1385 AH, the prayers of Islam, Qom, Al-Bayt Foundation (peace be upon them).
- 5- Ibn Shahr Ashoob, Muhammad Ibn Ali, 1369 AH, similar to the Qur'an and different, Qom, Dar Bidar for publishing.
- 6- Ibn Tawus, on the son of Musa, 1400 AH, the parties in the knowledge of the religions of the tribes, Qom, Khayyam.
- 7- Ibn Faris, Ahmad, 1410 AH, Dictionary of Comparisons of Language, Qom, Islamic Media School.
- 8- Ibn Manzoor, Muhammad, 1408 AH, Arabic Language, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- 9- Azhari, Muhammad ibn Ahmad, Bita, Dictionary of Civilization of Language, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
- 10- Asadi, Mohammad and Tayebah Hosseini, Seyed Mahmoud, 1390, a study in solid and similar, Qom, seminary and university research institute.
- 11- Babaei, Ali Akbar, 1372, "Interpretation of the Qur'an", Journal of Knowledge, No. 6.
- 12- Johari, Ismail Ibn Ihmad, 1428 AH, Al-Sahah Al-Lugha, Beirut, Dar al-Ma'rifah.
- 13- Haskani, Obaidullah Ibn Ibn Abdullah, 1411 AH, Evidence of the reduction of the rules of extension, Tehran, Islamic Culture Revival Association.

- 14- Zofaghari, Shahabuddin, 2014, "Study of the Qur'anic concept of interpretation and comparison with the views of some contemporary Qur'anic scholars", Hasna Magazine, No. 21.
- 15- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, 1404 AH, Al-Mufradat, Qom, book publishing.
- 16- Shakir, Mohammad Kazem, 2009, "Interpretation", Encyclopedia of the Holy Quran, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- 17- _____, 1997, Methods of Quran Interpretation, Qom, Islamic Propaganda Office of the seminary.
- 18- _____, 2003, Principles and methods of interpretation, Qom, World Center of Islamic Sciences.
- 19- shoayri, Muhammad ibn Muhammad, Bita, Jame 'al-Akhbar, Najaf, Haidari Press.
- 20- Saduq, Mohammad Bana Ali, 1378 AH, Ayoun Akhbar al-Reza (peace be upon him), Tehran, Jahan Publishing.
- 21- Saffar, Muhammad ibn Ihsan, 1404 AH, Basair Al-Darjat, Qom, Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi Library.
- 22- Tabarsi, Fadl Ibn Ibn Hassan, 1372, Al-Bayyan Assembly in the Interpretation of the Qur'an', Tehran, Nasser Khosrow.
- 23- Tabari Amli, Muhammad bin Abi al-Qasim, 1383 AH, Bashara Al-Mustafa for Shiite Al-Murtada, Najaf, Al-Haydari Library.
- 24- Alavi Nejad, Seyed Haidar, 2003, "Semantics of Qur'anic Interpretation in the Perspective of Ahl al-Bayt (PBUH)", Hasna Magazine, No. 2.
- 25- Ayashi, Mohammad Ibn Masoud, 1380 AH, Tafsir Al-Ayashi, Tehran, Islamic Islamic Library.
- 26- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, 1414 AH, arrangement of Al-Ain book, Tehran, Aswa.
- 27- Farjad, Mohammad, 2004, "Semantics of Interpretation in Narrations", Journal of Quranic Studies, No. 37 and 38.
- 28- Firoozabadi, Majdaldin, Bita, Basair Dhu'i al-Tamizi in Latif al-Kitab Al-Aziz, Beirut, Al-Muktabah Al-Almiyeh.



- 29- Ghahari Kermani, Mohammad Hadi, 2009, "The Nature of Quranic Interpretation in Verses and Narrations and the Study of Popular Views Based on It", Journal of Quranic Interpretations, Volume 2, Number 3.
- 30- Qomi, Ali Ibn Ibrahim, 1363, Tafsir al-Qomi, Qom, Dar al-Kitab.
- 31- Kufi, Euphrates Ibn Ibrahim, 1410 AH, Tafsir Euphrates Al-Kufi, Tehran, Printing Institute of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- 32- Kolaini, Muhammad ibn Ya'qub, 1429 AH, Al-Kafi, Qom, Dar al-Hadith.
- 33- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, 1403 AH, Bihar Al-Anwar, Beirut, Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
- 34- Makarem Shirazi, Nasser et al., 1992, Tafsir Nomoneh, Tehran, Islamic Bookstore.
- 35- Nasiri, Ali, 1998, "Interpretation from the perspective of research", Bayanat Magazine, No. 17.

